

نابودی یا نجات، اعدام یا حیات؟

۲۰ نکته کلیدی در تفاوت قصاص قرآنی با اعدام

محور سخنان عبدالعلی بازرگان در سمیناری در دانشگاه یوسی ال ای، لس آنجلس در تاریخ ۲۵ می ۲۰۱۴

- ۱- معنای «اعدام» به عدم فرستادن است، و هدف از «قصاص» ضد آن، یعنی زندگی (حیات) بخشیدن به جامعه است.^۱
- ۲- از نظر قرآن، اعدام آنکه کسی را نکشته، مانند کشتن همه انسانها، و نجات يك انسان، مانند نجات همه انسانهاست.^۲
- ۳- اعدام‌های حکومتی که به نام اسلام انجام می‌شود، الزاماً ارتباطی با قصاص قرآنی ندارد و عمدتاً در تضاد با آن است.^۳
- ۴- اعدام‌های سیاسی به عنوان قصاص، هیچ وجهت شرعی ندارد و قصاص اندیشه با اسلحه فاقد توجیه دینی است.^۴
- ۵- صدور حکم اعدام چند مخالف سیاسی برای قتل يك خودی، در تضاد آشکار با فلسفه قرآنی تساوی جان با جان است.^۵
- ۶- سوء استفاده قدرتمندان از احکام دینی در جهت اهداف سیاسی برای سرکوب مخالفین و مدعیان ریشه تاریخی دارد.^۶
- ۷- معنای «قصاص» پیگیری و تعقیب قانونی جرم و بریدن ریشه‌ها و رویش‌های جنایت است، نه نمایش قدرت نظام.^۷
- ۸- قصاص برای متوقف ساختن چرخه انتقام‌جویی فزاینده و متناسب ساختن کیفر با جرم مقرر شده، نه تشویق به آن.^۸
- ۹- حکمی که برای خاموش کردن شعله خشم مقرر شده، به حربه تسویه حساب با مخالفین سیاسی تبدیل گشته است.^۹
- ۱۰- تضاد در فهم و برداشت از حکم قرآنی قصاص، در تفاوت دیدگاه‌ها و تنگی نگاه فقیهانه به فلسفه و علت این حکم است.
- ۱۱- نگاه تکلیف مدارانه فقهی به قصاص، کیفر دادن و اجرای حکم است و نگاه تربیت مدارانه قرآنی تشویق به گذشت.
- ۱۲- هدف فقیهان اجرای حدود شرعی و تعزیرات از منظر حقوقی است، و هدف قرآن تشویق به بخشیدن از منظر اخلاقی.
- ۱۳- حکم قصاص برای نخستین بار در تورات مقرر شد تا بنی‌اسرائیل را از زیاده‌روی در انتقام به عفو یا اکتفا وادارد.
- ۱۴- در این حکم، بخشیدن مجرم را کفاره گناه شمرده و تجاوز از حد مجاز قصاص را ستمگری به مجرم نامیده است.^{۱۰}
- ۱۵- در قصاص قرآنی، بخشیدن قاتل را نشانه برادری و پرداخت دیه را تخفیف و رحمتی از پروردگار خوانده است.^{۱۱}
- ۱۶- قرآن البته اجازه کیفر مجرم به تناسب جرم را داده است، ولی بدون استثناء همه جا توصیه به عفو کرده است.^{۱۲}
- ۱۷- رضایت خدا در قصاص، همواره عفو و بخشیدن است، اما هرگز حق بندگان داغیده خود را یکطرفه «وتو» نمی‌کند.
- ۱۸- قرآن قصاص قتل را حق خانواده مقتول می‌داند، نه حق دولت یا جامعه، حقوق فردی نباید توسط جمع نقض گردد.
- ۱۹- بی‌حاصل بودن ۳۶ سال اعدام قاچاقچیان مواد مخدر را باید با جایگاه ایران در سومین کشور آلوده به مواد مخدر فهمید.
- ۲۰- بالاترین حقوق انسان در قرآن، حق جان است، دفاع از این حق در برابر سلب‌کنندگان آن، عبادت جان آفرین است.

۱- بقره ۱۷۹- و برای شما در قصاص حیات است، ای خردمندان، باشد تا پروا پیشه کنید

۲- مائده ۳۲.

۳- قصاصی که در قرآن آمده منحصرأ در ارتباط با قتل و جرح است، نه مخالفت دینی، سیاسی و حتی قاچاق مواد مخدر. ۲- رسم قبایل عرب در دوران جاهلیت عدم اکتفا به مقدار جرم و انتقام گیری مضاعف بوده و حکم قصاص برای تعطیل این شیوه نابود کننده، بخشیدن مجرم، و در صورت ناتوانی از بخشش، اکتفا به مقدار جرم بوده است. معنای کلمه قصاص، کسی یا چیزی را با چشم، یا جای پائی را تعقیب کردن است که مفهوم پیگیری و تعقیب و رسیدگی دارد، نه الزاماً کشتن (قصص ۱۱- وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ فُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَتَشْعُرُونَ ... كهف ۶۴- ...فَارْتَدًّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا فُصِّصًا) قصه نیز که از واژه قصاص است، حکایتی است از يك ماجرا از ابتدا تا انتها، که پشت هم پیگیری می‌شود.

۴- در سراسر قرآن مطلقاً کوچکترین کیفر دنیائی برای ارتداد، الحاد، تغییر مذهب، تبلیغ علیه دین، شراب‌خواری، بی‌حجابی و سایر امور فردی یا اعتقادی که، به ارتباط بنده با خالق خودش مربوط می‌شود، وجود ندارد، حساب گناه با خداست و به آخرت مربوط می‌شود نه به سایر مردم. در قرآن تنها چهار کیفر دنیائی وجود دارد و لا غیر که به نقض حقوق انسان‌ها توسط خودشان مربوط می‌شود، مثل: سرقت، زنا، عُلنی، قصاص قتل و جراحت و تهدید مسلحانه و سلب امنیت جامعه.

۵- بهترین الگو و نمونه عملی برای شیعیان در حکم قصاص، رفتار علی(ع) با ضارب خویش است که فرمود: مبدا به جان مردم بیفتید و بگوئید رهبر کشته شد، رهبر کشته شد!! بدانید که جز قاتل من کسی نباید کشته شود او را ببخشید، اگر هم قصاص کردید، او يك ضربه زده، فقط يك ضربه بزنید، مبدا او را مثله کنید که من از رسول خدا شنیدم که گفت مثله نکنید حتی به سگ‌ها (نهج البلاغه نامه ۴۷).

۶- نگاه کنید به سوابق تاریخی صدور احکام مُرتد، باغی، محارب و مفسد فی الارض از دوران بنی‌عباس و بعدها صفویه با فتاوی حکام شرع و قاضی القضاة‌های وابسته به قدرت. در حکمی که برای هر جراحتی حداکثر همانقدر کیفر قرار داده و همواره توصیه به گذشت کرده، چگونه می‌توان جان کسی را به خاطر اندیشه، هر چند باطل گرفت؟ در برخی متون تاریخی متناسب به دین که توسط فقیهان، متناسب با مصلحت اندیشی و تشخیص بشری زمانه نوشته شده، چنین احکامی وجود دارد، اما برای يك مسلمان، ملاک و مبنای پذیرش يك حکم کتاب خدا و سنت رسول است.

۷- تفسیر «پرتوی از قرآن» مرحوم طالقاری، ج ۱ ص ۵۴.

۸- از جمله صدور بیش از ۵۰ حکم اعدام و تعداد بیشتری محکومیت‌های ۴ تا ۲۰ سال برای جوانان زندانی اهل تهریز کردستان در قصاص قتل دو نفر. اینکه جمهوری اسلامی ایران یکی از سه کشور نخست جهان از نظر آماری در تعداد اعدام‌هاست و با چین که چندین برابر جمعیت دارد رقابت می‌کند، نشان از نابسامانی بسیاری دارد.

۹- فلسفه «النصر بالرعب» (پیروزی در گرو ترس افکندن در طرف مقابل است) همان فلسفه انتقام و خونخواهی قبیله‌ای است که در روزگار جاهلیت پیش از اسلام میان اعراب خشن شبه جزیره حاکم بود و راه حل قصاص برای تعدیل تشدید خشونت و بخشش قاتل یا حداکثر اکتفا کردن به همان مقدار وضع شده بود و اینک پس از ۱۴ قرن عده‌ای به روزگار جاهلیت قبل از اسلام انقلاب ارتجاعی کرده‌اند.

۱۰- (مائده ۴۵) وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۱۱- (بقره ۱۷۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلُهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۲- (نحل ۱۲۶ تا ۱۲۹)- وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

(شورا ۴۰ تا ۴۳) - وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ. وَلَمَنْ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ. إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ